

Stylistic Features of the Eastern Kufic Script in the Region of Khurasan: Characteristics of the Kufic Script in the Quran endowed by Abū al-Qāsim Sīmjūr to the Shrine of Imam Rīza (Before AH 383/993-4 CE)

By Mahdi Sahragard¹

Abstract:

Astan Quds Razavi Library in Mashhad holds four parts of a ten-part Quran on parchment, which have been endowed to the Shrine of Imam Rīza in AH 383/993-4 CE by Abū al-Qāsim Sīmjūr, the last emir of the Sīmjūrid dynasty in Khurasan and governor of Neyshābūr (also spelled Nīshāpūr). Due to the rarity of the tenth-century Quran manuscripts with signatures, the study of the artistic characteristics of this codex is of prime importance in understanding the calligraphy and illumination of the Qurans copied in this period in Khurasan. Not only does this article introduce and examine the script and decorations of the extant parts of this Quran in Astan Quds Razavi Library, but also studies the artistic links between this Quran and other manuscripts in the same century. The results of this research indicate that the script and illuminations of this codex resembles the works of the artists in Ghaznavīd scriptoria. This article also reveals novel findings about the development of the Ghaznavīd style which had its roots in the work of the warraqs (copyists) in Neyshābūr; in addition, since Abū al-Qāsim Sīmjūr was the then governor of Neyshābūr, it is speculated that this ten-part Quran was produced in this city.

Keywords:

the copying of the Quran , the Kufic Script, Abū al-Qāsim Sīmjūr, calligraphy, illumination, the Sāmānids.



سبک شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: ویژگی‌های قلم کوفی در قرآن وقفی ابوالقاسم سیمجور

مهدی صحراگرد^۱

چکیده

در کتابخانه آستان قدس رضوی چهارپاره از یک قرآن ده‌پاره پوستی نگهداری می‌شود که آن را ابوالقاسم سیمجور، آخرین امیر خاندان سیمجوری و حاکم نیشابور، در سال ۳۸۳ ق، بر حرم امام رضا علیه السلام وقف کرده است. به سبب کم بودن نسخ رقم‌دار از سده چهارم هجری، بررسی صفات هنری این نسخه به منزله مقدمه‌ای بر شناخت کتابت و کتاب‌آرایی قرآن سده چهارم در خراسان اهمیتی وافردارد. در این نوشتار ضمن معرفی اجزای به‌جامانده این نسخه در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس رضوی، خط و تذهیب آن واریسی و ارتباطش با دیگر آثار این دوره مطالعه می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد خط و تذهیب این نسخه به آثار هنرمندان کتابت‌خانه غزنویان شباهت زیادی دارد؛ از این رو این نسخه نکات تازه‌ای از شکل‌گیری سبک غزنوی به دست می‌دهد. به علاوه از آنجا که سبک غزنوی ریشه در کار وژاقان نیشابور داشته و نیز ابوالقاسم سیمجور، مدتی در مقام حاکم در نیشابور مستقر بود، محل تولید این نسخه شهر نیشابور حدس زده می‌شود.

واژگان کلیدی

قرآن نویسی، قلم کوفی، ابوالقاسم سیمجور، خوش‌نویسی، تذهیب، سامانیان.



مقدمه

درباره تاریخ خوش‌نویسی ایران، خاصه در سده‌های نخست هجری، آگاهی‌های کنونی بسیار ناقص و اندک است؛ زیرا شمار آثار محوری از این سده‌ها ناچیز است و همان آثار نیز عمدتاً در مجموعه‌های مختلف پراکنده شده و این امر گردآوردن آگاهی‌های پایه را برای رسیدن به تحلیلی دقیق دشوار می‌کند. این امر در خصوص هنرهای مربوط به کتاب، به ویژه قرآن‌نگاری در سده‌های نخست اسلامی، دوچندان است؛ زیرا از یک سونسخه‌های خطی اغلب از مکان تولید به مکان‌های دیگر منتقل شده‌اند و از سوی دیگر سنت تدوین نسخه‌های نفیس قرآن در قالب چندپاره به پراکنده شدن اجزای یک قرآن و در نتیجه مفقود شدن اطلاعات تاریخی نسخه منجر شده است. به این سبب آگاهی ما از کتابت و کتاب‌آرایی برخی از اعصار آغازین دوران اسلامی مانند عصر سامانیان تقریباً هیچ است. نبود سنت نگارش در باب کتابت و کتاب‌آرایی، مشابه آن سنتی که در بغداد رایج بود، یا شاید از میان رفتن متونی از این سنخ موجب شده منابع درجه اول هیچ آگاهی‌ای روشن و مشخص از وضعیت کتابت و کتاب‌آرایی این دوره به دست ندهند. به علاوه از میان رفتن نسخه‌ها یا به جا نماندن رقم و انجامه نسخه‌ها موجب شده کمتر بتوان نمونه‌ای از نسخه‌های متقدم را به این دوره منسوب کرد.

با این حال در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس رضوی سه پاره از یک قرآن نگهداری می‌شود که ابوالقاسم سیمجور، دولتمرد عصر سامانی، بر حرم امام رضا علیه السلام وقف کرده است. این نسخه هر چند اطلاعاتی از کاتب و تاریخ و محل کتابت ندارد، مشخص بودن تاریخ وقف و نام واقف می‌تواند سندی باشد بر تعیین حدودی زمان و مکان کتابت. از این رو گمان می‌رود با اتکا به این اطلاعات به همراه تحلیل ویژگی‌های اثر می‌توان دری به سوی شناخت سنت‌های کتابت قرآن‌های نفیس آن دوره خراسان گشود.

چهارپاره از این نسخه در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس و یک پاره در مجموعه خلیلی نگهداری می‌شود. فرانسوا دروش در سبک عباسی، که فهرستی است توصیفی از نسخه‌های قرآن مجموعه خلیلی، به سبب نداشتن اطلاعاتی روشن از واقف و زمان وقف از اظهار نظر درباره تاریخ و محل تولید این اثر تن زده و صرفاً صفات نسخه‌شناسانه آن را بیان کرده است. همچنین سخنانی که دیگر محققان مانند احمد گلچین معانی (۱۳۴۷ ش) و نویسندگان کتاب شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: قرآن‌های نفیس (۱۳۹۱) درباره این نسخه نوشته‌اند فراتر از اطلاعات عمومی نسخه نیست. در این نوشتار به منظور شناخت سنت‌های کتابت و کتاب‌آرایی خراسان در سده چهارم هجری ابعاد هنری این نسخه ارزیابی می‌شود و به سبب اهمیت خط آن در شناخت فرآیند تکامل یک سبک مهم کوفی شرقی ویژگی‌های کتابت را با تأکید بیشتر ارزیابی می‌کنیم.

مشخصات نسخه

از قرآن وقفی ابوالقاسم سیمجور که به اختصار قرآن ۳۸۳ ق خوانده می‌شود، اکنون چهار پاره به شماره‌های م. ۱۱۲۲۴، م. ۱۱۲۲۳، م. ۳۰۰۴، م. ۵۰۱۳ در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. محتوای این پاره‌ها به شرح زیر است:

پاره نخست (م. ۱۱۲۲۴، ۵۹ برگ) اجزای یک تا سه: آیه فاتحه (۱) تا ۹۱ آل عمران (۳)

پاره دوم (م. ۱۱۲۲۳، ۵۹ برگ) اجزای چهار تا شش: آیه ۹۲ آل عمران (۳) تا ۸۲ مائده (۵)

پارهٔ چهارم (م. ۳۰۰۴، ۵۰ برگ) اجزای ده تا دوازده: آیهٔ ۴۱ الانفال (۸) تا ۵۲ یوسف (۱۲)
پارهٔ پنجم (م. ۵۰۱۳، ۵۸ برگ) اجزای سیزده تا پانزده: آیهٔ ۵۳ یوسف (۱۲) تا ۷۴ کهف (۱۸)
یک پارهٔ دیگر از این قرآن در حال حاضر در مجموعهٔ خلیلی (ش Qur 286، ۵۹ برگ) نگهداری می‌شود (Deroche, 1992: 142-143) این جلد حاوی اجزای ۲۵-۲۷ قرآن است

جز این یک برگ دیگر از این قرآن در کتابخانهٔ کنگرهٔ امریکا (1-84-154.29US LC 1434) نگهداری می‌شود. این برگ حاوی بخشی از آیهٔ ۶۲ سورهٔ نور (۲۴) ﴿يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنَهُمْ...﴾ تا بخشی از آیهٔ ۳ سورهٔ فرقان (۲۵) ﴿... وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا﴾ است. این برگ مربوط به جزو ۱۸ در پارهٔ ششم این قرآن بوده است.

پاره‌های این قرآن مَهْرُوقَف و نشان عرض دید ندارد؛ در حالی که دیگر نسخه‌های محفوظ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی حاوی ضرب مَهْر و یادداشت عرض دید مکرر از سدهٔ یازدهم هجری تا پایان دورهٔ قاجار است. علت این امر آن است که این قرآن جزو نسخه‌هایی است که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی به نام «اوراق بازیافته» مشهور است. اوراق بازیافته مجموعه نسخه‌ها و برگ‌های پراکنده و بسیار کهن قرآن است که آنها را در طی قرون گذشته به سبب نقص یا آسیب دیدگی در بخش‌های مختلف حرم امام رضا علیه السلام دفن یا پنهان کرده بودند. ظاهراً تعدادی از این نسخه‌ها برای اولین بار در سال ۱۳۴۸ ش در حین مرمت حرم امام رضا علیه السلام درون کیسه‌هایی در فضای خالی دو پوستهٔ سقف دارالسلام^۱ پیدا شد. اندکی پیش‌تر، حدود ۱۳۴۳ ش، این کیسه‌ها درون گودالی در فضای بالای کتابخانهٔ سابق در جنوب ایوان طلای صحن عتیق قرار داشته است (گلچین معانی، ۱۳۵۴: ۴۸).

انتقال قرآن‌های قدیمی به بخشی از ساختمان امری معمول در بناهای مقدس کهن بوده است. این سنت در شریعت یهودی و قبطی هم رایج بود به طوری که به مکان نگهداری از متون مقدس آسیب دیده در فرهنگ یهودی جنیزه (یا جنز برگرفته از واژه گنج فارسی) می‌گفتند.^۲ در طی سال‌های اخیر قرآن‌های قدیمی بسیاری از مسجد جامع صنعا در یمن، مسجد جامع دمشق، مسجد عمر در فسطاط (Deroche, 1992: 13) و مسجد عتیق شیراز (فرصت الدوله شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۷۲۱) به دست آمد. این نسخه‌ها جزو کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی است که تا کنون یافت شده است.

به گفتهٔ گلچین معانی متأخرترین تاریخ ثبت شده برای این گروه از اوراق یازیافته ۸۶۸ ق است. از طرفی از آنجا که می‌دانیم سنت عرض دید از سال ۹۷۲ ق بر روی قرآن‌ها و نسخه‌های کتابخانهٔ آستان قدس رضوی مرسوم شد و این نسخه‌ها هیچ‌کدام یادداشت عرض دید ندارند، بنابراین این نسخه همراه با دیگر نسخه‌ها در فاصلهٔ سال‌های ۸۶۸-۹۷۲ ق از کتابخانه خارج شده است.

۱. مطابق تماس تلفنی با جناب آقای مهندس دیشیدی به نظرايشان سقف دارالحفاظ صحیح است. تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۱، ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح؛ ویراستار.

۲. مرور کلی مفهوم جنیزه و کاربرد آن در زمینه دینی. جنیزه در اصطلاح به صندوق خانه یا پستوی هر کنیسه یا هر مکان دیگری گفته می‌شود که نوشته‌های دینی حاوی نام‌های خداوند را در آن می‌اندازند. بنابر شریعت یهودی، همچون رسوم رایج میان مسلمانان و قبطیان، کتاب‌های مقدس صدمه دیده و پاره‌ای را که دیگر قابل استفاده نیستند، نباید نابود کرد بلکه باید آن‌ها را در اتاق مخصوصی که به این منظور تعبیه شده نگه داشت تا بعداً در سرداب یا مقبره‌ای به خاک سپرده شوند. جنیزه‌ها (جنیزوت، [جمع جنیزه]) در بسیاری از جوامع یهودی شرقی و غربی وجود داشته‌اند. در بیشتر این جنیزه‌ها معمولاً تنها کتاب‌های خارج از استفاده (تورات‌ها و دعانامه‌های پاره و آسیب دیده) یافت می‌شود و در اکثر موارد، اوراق یافته‌شده چنان تباہ شده‌اند که دیگر به کار پژوهش‌های علمی نمی‌آیند. نیسن، ۱۳۹۳.



قرآن ۳۸۳ ق تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد. تنها یادداشت این نسخه وقف نامه ای است که بر حاشیه روی برگ دوم هر پاره به خط نسخ کهن کتابت کرده اند. متن این وقف نامه چنین است:

«سبل و وقف هذا الجامع ابوالقسم علی بن / ناصرالدوله ابی الحسن محمد بن ابراهیم بن سیمجور / علی قبرا الامام ابی الحسن علی بن موسی الرضا / صلوات الله علیه فی المشهد بطوس / طلبا لثواب / الله عزوجل / ... / من المشهد ولا تجری مجری / ... / تقبل الله تعالی ذلك منه و ذلك فی / ... / الاولی سنه ثلث و ثمنین و ثلثمئه».



تصویر ۱. وقف نامه قرآن ۳۸۳ ق، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۴، برگ ۲ ر.

واقف نسخه ابوالقاسم علی بن ناصرالدوله محمد بن ابراهیم بن سیمجور از اعضای خاندان معروف و پرنفوذ سیمجوریان در عصر سامانیان بود. دودمان آنان به ابوعمران سیمجوری، معروف به سیمجور دوات دار، می‌رسید. ابوعمران غلامی ترک بود که در دستگاه سامانیان خدمت می‌کرد. اسماعیل بن احمد سامانی (ف ۲۹۵ ق) پس از ستاندن سیستان از صفاریان، امارت سیستان را به ابوعمران سپرد. ابراهیم پسر ابوعمران نیز والی قهستان شد و دیگر اعضای این خاندان به نوبت صاحب این منطقه شدند (باسورث، ۱۳۹۰: ۲۸).

ابوالحسن محمد، پسر ابراهیم و نوه ابوعمران، برای نخستین بار، پس از قتل سپهسالار بکر بن مالک در ۳۴۵ ق، در زمان حکومت عبدالملک بن نوح سامانی (حک ۳۴۳ - ۳۵۰ ق) به سپهسالاری خراسان رسید. او طی چند بار عزل و نصب، جمعاً حدود سی سال سپهسالار خراسان بود و پس از درگذشتش در ۳۷۸ ق، به سبب نفوذ فوق‌العاده خاندانش در خراسان، مقام سپهسالاری به فرزند ارشدش بوعلی رسید (فروزانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵). ابوالقاسم علی بن ناصرالدوله سیمجور، واقف این قرآن، برادر بوعلی و پسر ابوالحسن سیمجور بود. او پیش از درگذشت پدرش، ابوالحسن، مدتی حاکم نیشابور بود و پس از درگذشت پدرش، به سبب آشفتگی اوضاع خراسان و ضعف سامانیان به طور نامنظم در قهستان و هرات و نیشابور و جبال حکومت کرد. از آنجا که ابوالقاسم در جنگ بوعلی با سبکتکین و محمود در سال ۳۸۵ ق شرکت نکرد پس از برافتادن بوعلی در سال ۳۸۵ ق همچنان در خراسان ماند و در سال‌های بعد با غزنویان گاهی روابط حسنه و گاهی ستیز داشت (خطیبی، ۱۳۹۳: ذیل ابوالقاسم سیمجور). با این همه هر چند سامانیان خود به ظاهر سنی مذهب بودند و از خلفای عباسی منشور می‌گرفتند وقف این قرآن بر حرم امام رضا علیه السلام نشان دهنده گرایش شیعی ابوالقاسم سیمجور است.

روی برگ نخست سفید است و وقف‌نامه بر حاشیه روی برگ دوم کتابت شده در نتیجه، به نظر می‌رسد از آغاز صفحه‌ای برای وقف‌نامه در نظر نگرفته‌اند. این امر به آن معناست که این نسخه از آغاز به منظور وقف بر حرم امام رضا علیه السلام تهیه نشده و احتمالاً از نسخه‌های کتابخانه ابوالقاسم سیمجور یا اهداشده به او بوده است.

در وقف‌نامه محل وقف به صورت «علی قبر الامام» آمده است. این عبارت در وقف‌نامه‌های این دوره کمتر دیده می‌شود. در وقف‌نامه نسخه‌های دیگر سده چهارم و پنجم محل وقف را معمولاً «مشهد الامام... علی بن موسی الرضا» (مانند قرآن ۴۲۱ ق، ش ۱۵۰۱؛) یا «مشهد بطوس» (مانند قرآن ۳۹۳ ق، ش ۹۶، و قرآن عباس قزوینی، ش ۳۰۱۱) نوشته‌اند. همچنین در این وقف‌نامه اطلاعات بیشتری که سازوکار نگهداری نسخه و هدف از وقف را توضیح دهد ذکر نکرده‌اند. با این حال در وقف‌نامه هر چهار پاره این قرآن بعد از «عزوجل» چند کلمه عمداً محو شده است. از سیاق عبارت این بخش چنین برمی‌آید این کلمات تأکید واقف بر نگهداری نسخه در محل وقف بوده است؛ احتمالاً عبارتی مانند «لا یخرج من المشهد». علت پاک شدن این بخش از متن مشخص نیست؛ اما گمان می‌رود در این وقف‌نامه بر خلاف وقف‌نامه‌های هم‌عصرش، نسخه نه بر «مشهد طوس» که بر «قبر امام» وقف شده است. شاید در زمان انتقال قرآن به بخش دیگری از مجموعه امام رضا علیه السلام، مانند کتابخانه یا دارالقرآن، لازم بوده این عبارت را بزدايند تا اشکال شرعی اش رفع شود.

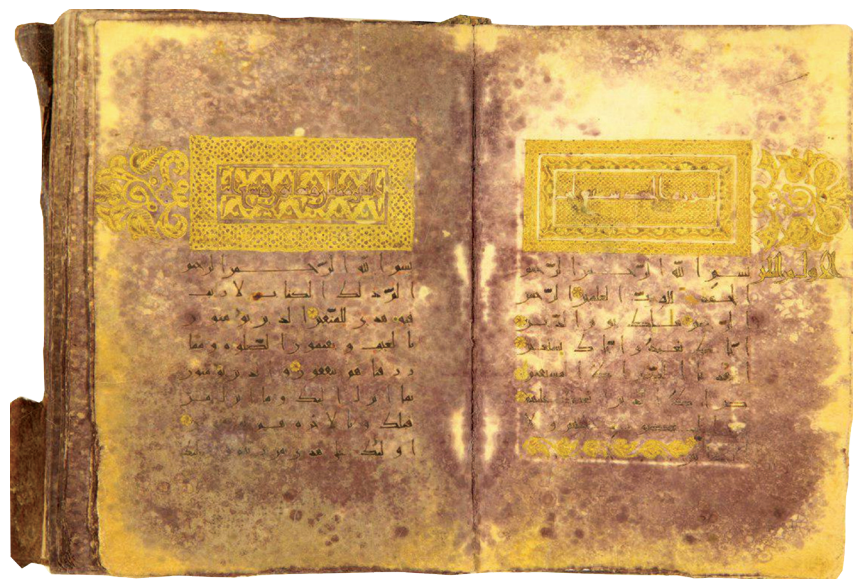


۱ ورق

تمام متن قرآن ۳۸۳ ق بر روی پوست کتابت شده است. صنعت کاغذ از نیمه سده دوم در جهان اسلام رواج یافت و به استناد نسخه کاغذی غریب الحدیث مورخ ۲۵۲ ق (دانشگاه لیدن، Or. 298)، در مرکز جهان اسلام، خاصه بغداد، دست‌کم از میانه سده سوم کاربردی گسترده داشت. با این حال استفاده از آن در کتابت قرآن، بیشتر زمان برد زیرا از یک طرف کاغذهای اولیه کیفیت چندان مناسبی نداشتند. از سوی دیگر به سبب پابندی کاتبان به سنت‌های قدیم کتابت قرآن، تحولاتی این‌چنین در عرصه قرآن‌نگاری با کندی و احتیاط صورت می‌گرفت. به هر روی بر پایه قرآن وقفی کشواد بن املاس، می‌دانیم دست‌کم از سال ۳۲۷ ق ایرانیان از کاغذ در کتابت قرآن استفاده می‌کردند.^۱ قرآن مهم دیگر سده چهارم، قرآن علی بن شاذان رازی مورخ ۳۶۱ ق، نیز بر کاغذ کتابت شده است (لیدن، کتابخانه چستربیتی، ش Ms 1434). با این حال قرآن ۳۸۳ ق نشان می‌دهد در سده چهارم استفاده از پوست نیز همچنان در تهیه قرآن‌های نفیس به کار می‌رفته است.

اندازه نسخه ۱۱×۱۶ سانتی متر است که اندازه‌ای متوسط به شمار می‌رود؛ زیرا نسخه‌های تاریخ‌دار دیگر چون قرآن وقفی کشواد بن املاس با اندازه ۹×۱۱ س.م و قرآن وقفی ابن کثیر مورخ ۳۹۳ ق، با اندازه ۷×۱۰ س.م در شمار نسخه‌های کوچک اندازه‌اند و از سوی دیگر نسخه‌ای چون قرآن ری، به خط عباس بن محمد قزوینی، مورخ ۳۸۱ ق، با اندازه ۲۱×۳۱/۵ س.م^۲ جزو نسخه‌های بزرگ‌اندازه این عصر به شمار می‌روند.

با توجه به تعداد ۵۰ تا ۵۹ برگي چند پاره باقی مانده، می‌توان تخمین زد در تهیه این نسخه حدود ۵۹۰ برگ به کار رفته که در مجموع حدود ۱۰/۵ متر مربع پوست حیوان را در بر می‌گیرد. گفتنی است بر اثر شرایط نابسامان نگهداری از نسخه در گذشته، برگ‌های دو پاره از این قرآن (ش ۱۱۱۲۲۳ و ۱۱۱۲۲۴) بر اثر قارچ آسیب دیده و به رنگ بنفش درآمده است به طوری که متن به سختی خوانده می‌شود (تصویر ۲).



تصویر ۲. صفحات افتتاح قرآن ۳۸۳ ق، برگ‌های این نسخه بر اثر رطوبت و قارچ به رنگ بنفش درآمده است. مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۱۲۲۴، برگ ۲-ب-۳.

۱. برای اطلاعات بیشتر نک: صحراگرد، ۱۳۹۹ ب: ۲۲.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره این نسخه نک: صحراگرد، ۱۴۰۰.

۱ خط

هر صفحه قرآن ۳۸۳ ق سیزده سطر دارد. متن را در مسطری حدود $۹/۵ \times ۶/۵$ س.م کتابت کرده‌اند. اگرچه برخلاف قرآن‌های کوفی اولیه، قطع این نسخه عمودی و فاصله بین سطورش زیاد است، در چند ویژگی همچنان پیرو سنت‌های کوفی اولیه است: نخست شیوهٔ اعجام و اعراب‌گذاری حروف که همانند اکثر نسخه‌های کوفی اولیه نقطه‌ها را با خطوط نازک سیاه (شبه بیضی کشیده) نشان داده‌اند و اعراب را با دوایر قرمز گرد. همچنین در کل سطور «کتابت پیوسته»^۱ کلمات رعایت شده است، یعنی فاصله بین حروف هر واژه برابر است با فاصله بین کلمات.^۲ با این همه هیچ واژه‌ای در پایان سطور بریده نشده است؛ زیرا کاتب با محاسبهٔ دقیق فواصل کلمات توانسته توازنی در هر سطر ایجاد کند که تمام حروف واژه‌های پایان سطر در مسطر جا گیرد و لازم نباشد پاره‌ای از کلمات پایان سطر در اول سطر بعد نوشته شود (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۳. دو صفحه از قرآن ۳۸۳ ق، کتابت پیوسته و ساختار و تناسبات مسطر و حاشیه و فاصله سطور در این دو تصویر مشخص است، مشهد: کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، ش ۳۰۰۴، برگ ۱۱ پ-۱۲.

۱. scriptio continua

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره این اصطلاح و آگاهی از وضعیت این قاعده در قرآن‌های ایرانی نک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۱۸.



نسخه به قلم کوفی شرقی با سبکی مشخص کتابت شده است. ویژگی بارز این دست خط استفاده مداوم از حرکت‌های عمودی (در «الف»، «لام» و دندانه «س» و حروف مشابه)، افقی (در اتصال حروف) و مورب در شکل «و»، «ع» و دنباله مرسل «و»، «م»، و... است. همچنین در کتابت این نسخه از قاعده مشق (همان کشیده نوشتن حروف) نیز استفاده شده است؛ قاعده‌ای که استمرار این سنت از کوفی اولیه را نشان می‌دهد. هندسه دقیق و تناسب اندازه حروف حاکی از وجود سبکی منسجم در کتابت این قلم است. این نکته با احتساب اندازه بسیار کوچک این نسخه بسیار با اهمیت تر جلوه می‌کند، زیرا دقت در اجرای متناسب و زاویه دار خط در اندازه کوچک بسیار دشوارتر است. مقایسه ویژگی‌های خط این نسخه با قرآن خیقانی (کتابت شده پیش از ۲۹۲ ق) حاکی از تکامل و وضع قواعد این خط در طی سده چهارم هجری در خراسان است.



تصویر ۴. چند سطر از قرآن ۳۸۳ ق، اعراب با نقطه‌های قرمز گرد، و اعجام با خطوط قهوه‌ای مورب نشان داده شده است. مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۰۴، برگ ۵۰پ.



تصویر ۵. بخشی از یک صفحه از قرآن ابوالقاسم خیقانی، پیش از ۲۹۲ ق، بسیاری از ویژگی‌های خط قرآن ۳۸۳ ق در خط این نسخه به صورت خام و بی‌قاعده مشاهده می‌شود.

۱. این قرآن که قدیمی‌ترین قرآن تاریخ‌دار شناخته شده است در سال ۲۹۲ ق به دست شخصی به نام ابوالقاسم خیقانی (منسوب به روستای خیقان، مستحیل شده در مشهد کنونی) تصحیح و اعراب‌گذاری شده است. چند پاره از این قرآن در کتابخانه‌های مختلف جهان پراکنده است. برای اطلاعات بیشتر درباره این نسخه نک: صحراگرد، ۱۳۹۹ الف: ۱۱۹-۱۲۱.

«الف» در این نسخه به صورت یک خط عمود بدون دنباله کتابت شده است مگر در برخی موارد که انحنایی بسیار خفیف در انتهای این حرف دیده می‌شود. این درحالی است که در قلم کوفی اولیه و بسیاری از سبک‌های کوفی شرقی این حرف یک دنباله به سمت راست دارد. همچنین در انتهای «الف» آخر یک مهمیز بسیار کوچک دیده می‌شود که حاکی از حرکت بالا به پایین در اجرای این حرف است. ویژگی‌های کتابت «الف» در این نسخه شباهت زیادی با قرآن خیقانی دارد. در آنجا هم دنباله الف در برخی صفحات تا حد زیادی کوتاه شده و مهمیز نسبتاً بلندی در انتهای «الف» آخر دیده می‌شود. ارتفاع «الف» ارتفاع کرسی بالای سطر را تعیین می‌کند و از این حیث در میان نمونه‌های مشابه کوفی شرقی در سده چهارم (مانند قرآن اصفهان، مورخ ۳۲۷ ق، و قرآن خیقانی) ارتفاع بیشتری دارد. فاصله کرسی بالا تا خط کرسی اصلی، نسبت به فاصله کرسی دوم تا خط کرسی، بیش از دو برابر است.

«ج» و حروف مشابه با بیشترین انحراف از خط عمود، مورب‌ترین حرف در این سبک به شمار می‌رود. حرکت اول این حرف با زاویه‌ای حدود ۴۵ درجه با تمام قلم تا زیر خط کرسی کشیده شده است. این حرف در وسط کلمات نیز تقریباً با همین شکل اجرا شده است. اتصال این حرف به حروف بعد با تمام قلم با خطی افقی مستحکم برقرار شده است.

حروف «د» و «ر» نیز به ساده‌ترین صورت کتابت شده است: صورتی شکل یافته از حرکتی مورب و افقی با تمام قلم که ساختارش کاملاً با کوفی اولیه متفاوت است. این حرف در این نسخه صرفاً همین یک شکل را دارد. در کوفی اولیه این حرف با دو حرکت کاملاً افقی موازی و عموماً کشیده کتابت می‌شد؛ اما در اینجا احتمالاً متأثر از اقلام مستدیر غیرقرآنی به شکل مثلث کتابت شده است.

حرف «ع» در اول کلمه با ساختاری متشکل از دو حرکت مورب و یک حرکت افقی شکل گرفته است. «ع» در وسط و پایان کلمه با سری مثلث شکل وارونه بدون چشمه کتابت شده است. همچنین «ن» و کاسه دیگر حروف نیز با صورتی متفاوت از کوفی اولیه صرفاً با دو حرکت مورب قلم ایجاد شده است.

«و» با سری مثلث شکل و دنباله‌ای مرسل در زیر خط کرسی کتابت شده است. سر مثلث شکل این حرف از ساختار مشابهی در سر «ف» و «ق» پیروی کرده و زاویه مورب آن نیز تقریباً همسوی «ه» و «ه» است.

به طور کلی اجرای تمام حروف مورب با یک زاویه مشخص، ایجاد تناسب اندازه در حروف عمودی در بالا و پایین خط کرسی و اتصالات افقی ضخیم که با اندازه نسبتاً یکسان در بین تمام حروف، به ساختار خط نظم و انسجام بخشیده است.

جدول ۱. شکل حروف در قرآن ۳۸۳ ق، نگارنده

الف	ج ح	د	ط	ع ع	ف ف	م م	ن و	ه ه	ی	لا
ا	ح	د	ط	ع	ف	م	و	ه	ی	لا

۱. گفتنی است خط قرآن خیقانی خطی بدون قاعده است و در صفحات مختلفش شکل الف متفاوت است به طوری که گاهی مطابق با کوفی اولیه دنباله‌ای بلند دارد. مثلاً در صفحه آغاز سوره اسری (کتابخانه ملی اسرائیل، ش 966 Rs) اما بیشتر صفحات مطابق با سبک جدید با دنباله‌ای کوتاه کتابت شده است.



گفتنی است پاره‌هایی از یک قرآن دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که شباهت شکل حروف، ترکیب بندی و ساختار نسخه‌اش با قرآن ۳۸۳ ق چنان است که گمان می‌رود کاتب هر دو نسخه یک شخص بوده یا کاتبانی مرتبط همچون استاد شاگرد بوده‌اند. این نسخه پاره‌ای از یک قرآن احتمالاً چهارپاره است که هر صفحه هفده سطر دارد و متن آن از آیه ۱۹ مریم تا ۸۹ صافات را در بر می‌گیرد (ش ۳۰۰۵، اندازه: ۱۶×۱۱ س.م). این نسخه را مطابق با وقف‌نامه‌ای بر روی برگ نخست، شخصی به نام «... بن سعد بن احمد مستوفی» بر حرم امام رضا علیه السلام وقف کرده است. تکرار صفات خط قرآن ۳۸۳ ق در این قرآن از وجود سبکی منسجم در کتابت کوفی شرقی در نیمه دوم سده چهارم در خراسان حکایت می‌کند. مطابق با شواهد متعدد این سبک اندکی بعد از وقف این نسخه، در نیشابور و سپس در غزنه رواج و اوج یافت.



تصویر ۶. دو صفحه از قرآنی دیگر با خطی شبیه به قرآن ۳۸۳ ق، بدون رقم و تاریخ، وقف ابن سعد بن احمد مستوفی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۰۵.

آثار شاخص این سبک قرآن‌هایی است که در کارگاه ابراهیم بن مسعود غزنوی (حک ۴۵۰-۴۹۲ ق) زیر نظر عثمان بن حسین وراق غزنوی، کاتب و کلانتر کارگاه تولید شد. یکی از آن‌ها قرآن سی‌پاره‌ای است که تمام اجزای آن در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این قرآن در ابعاد ۲۰×۲۵ س.م در هر صفحه پنج سطر دارد، و تمام ویژگی‌های یاده شده در خط قرآن ۳۸۳ ق به صورت تکامل یافته و دقیق‌تر در آن به کار رفته است: «الف» با برگشت مورب کوتاه، اتصال‌های افقی مستحکم بین حروف، تأکید بر حرکات مورب در شکل «م»، «ف»، «ع»، «س» (و)، و... مهم‌ترین صفاتی است که در سبک غزنوی و قرآن ۳۸۳ ق مشترک و از طرفی با سبک‌های مرکز ایران مانند سبک اصفهانی در قرآن ۳۲۷ ق، متمایز است.

نکته شایان توجه اینکه نام کامل کلانترکارگاه ابراهیم غزنوی، ابوعمرو عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق غزنوی است. به این ترتیب نام او حسین و کنیه جدش ابوسهل بوده است. مطابق گزارش ابوحاکم نیشابوری، ابوسهل محمد بن احمد بن سهل زوزونی وراق (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ردیف ۲۲۷۵). به این ترتیب اولاً حرفه وراقی، حرفه خانوادگی این خاندان بوده و ثانیاً عثمان بن حسین این سبک خط را از اجداد خود که در نیشابور ساکن بوده‌اند آموخته است. از این رو سرنخی از سبک خط یادشده در ارتباط با نیشابور، ابرشهر خراسان در آن زمان به دست می‌آید.

تذهیب

قرآن ۳۸۳ ق تذهیبی به فراخور جایگاه واقفش، دارد: تذهیبی پرکار، دقیق و تماماً زرپوش. پشت برگ نخست و روی برگ دوم هر جزوه حاوی لوحی است مستطیل با تقسیم‌بندی هندسی و جدول و ابرکی در حاشیه. متن الواح از طریق برخورد نقوش دایره و لوزی و مستطیل به سطوح ثانویه‌ای تبدیل شده که اجزای متن را تشکیل می‌دهد. این سطوح با نقش هاشور و نوار اسلیمی و طرح شطرنجی آراسته شده است. این ساختار، صورت تکامل یافته و متحول ساختار الواح قرآن‌های کوفی اولیه است که در سده سوم به کمال رسیده بود.

الواح پایانی جزوه‌ها با الواح آغازین توفیر دارد و بسته به شرایط متن در هر جزو طرح لوح متفاوت است. در پایان هر چهار پاره سطور پایانی متن را در دو صفحه مجزا در هر یک دو سه سطر کتابت کرده و مسطراً با نقش مروارید زرین یا یک حاشیه ضخیم جدول‌بندی کرده‌اند. اما فقط در پاره‌های اول و دوم است که بعد از این دو صفحه، دو صفحه با دو لوح شبیه، به الواح آغازین افزوده‌اند. گمان می‌رود اجزای دیگر نیز این دو صفحه را داشته‌اند؛ اما در سال‌های بعد از نسخه جدا شده‌اند (تصویر ۹).

لوح‌های صدر صفحات افتتاح دو قاب ضخیم است با دو حاشیه. حاشیه بیرونی مزین به جدول زنجیری است و حاشیه درونی نقوش اسلیمی است. زمینه لوح نقش بسیار ریز شطرنجی دارد و کتیبه سرسوره فاتحه به قلم احتمالاً سفید درون زمینه دورگیری شده است. در حاشیه صفحه، کنار این قاب ابرکی بزرگ با برگ‌های پهن کنگره به زر نقش بسته است. این نقش به وفور در قرآن‌های کوفی اولیه و کوفی شرقی دیده می‌شود (تصویر ۲).

سرسوره‌های دیگر نسخه تقریباً مشابه با لوح‌های صدر طراحی شده است با این تفاوت که یک حاشیه کمتر دارد در نتیجه عرض کتیبه سرسوره کمتر است. همچنین شکل ابرک در برخی موارد متفاوت است مانند سرسوره «ابراهیم» (ش ۵۰۱۳، برگ ۸ پ).

نشان‌های شمارشگر آیات گل زرین شش یا هفت پراست که بالای آخرین واژه آیه درون سطور نقش بسته است. نشان خمس «ه» بزرگ زرین بر روی آخرین واژه آیه درون سطور و عشر آیات مشابه با نشان فصل آیات اما با اندازه‌ای بسیار درشت است که در دایره درشت مرکزش شماره آیه را به زر بر زمینه شنجرف کتابت کرده‌اند. نشان سجده شبیه به نشان عشر اما در حاشیه صفحات نقش بسته و کلمه «سجده» درونش را به خط کوفی اولیه زرین کتابت کرده‌اند. تقسیمات دیگر قرآن اعم از جزو و سبع در حاشیه صفحات بدون نشانی خاص صرفاً با حروف درج شده است.





تصویر ۷. الواح آغازین قرآن ۳۸۳ ق،
ش ۵۰۱۳، مشهد: کتابخانه آستان
قدس رضوی، برگ اب-۲ ر.



تصویر ۸. صفحات پایانی پاره
چهارم با حاشیه ضخیم مزین به
نقش مروارید و گلبرگ‌های زرین،
شماره ۳۰۰۴، برگ ۴۹ پ-۵۰ ر.

۱ جلد

جلد قرآن ۳۸۳ ق مطابق با سنت قدیم جلدسازی قرآن‌های کاغذی با مقوای ساخته شده از کاغذهای مستعمل و روکشی از چرم قهوه‌ای ساخته شده است. جلد نسخه‌ها به سبب آنکه بر اثر استعمال و قرار گرفتن در معرض آسیب، عموماً زودتر از کاغذها آسیب دیده و جدا می‌شوند، از این رو اکثر نسخه‌های کهن را در ادوار بعد مجدداً بر اساس ویژگی‌های محلی زمانه جلد کرده‌اند. با این حال جلد قرآن ۳۸۳ ق به نظر اصیل می‌رسد. ساختار جلد از نوع طبله دار است. ساختاری که در طبقه‌بندی فرانسوا دروش در زمره گونه دوم جلد‌های اسلامی قرار می‌گیرد (دروش، ۱۳۹۵: ۳۳۴). این جلد‌ها دارای دو دغه، یک عطف و یک طبله است و عموماً ساختاری عمودی دارد.



تصویر ۹. سرسوره «نحل» با نقش ایک در حاشیه به همراه نشان‌های فصل و عشر در میان سطور (راست) و نشان تقسیم هفت پاره قرآن به همراه نشان خمس در میان سطور (چپ)، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۰۱۳، برگ ۴۹ پ (راست). همان نسخه برگ ۳۴ ر.



تصویر ۱۰. نشان سجده در حاشیه برگی از پاره پنجم، همان نسخه، برگ ۱۹ پ.

در رو و پشت جلد و همچنین بر روی طبله نقشی تزئینی انداخته‌اند. فن اجرای این نقش مانند تمامی جلد‌های این دوره از نوع ضربی است. تمامی جلد‌های موجود از نسخه‌های سده چهارم هجری به این فن آراسته شده است. مانند قرآن کشواد بن املاس (کتابخانه آستان قدس رضوی، ۳۰۱۳) و قرآن وقفی ابن کثیر (کتابخانه آستان قدس، ش ۲۸۲).

نقوش جلد این قرآن مطابق با دیگر جلد‌های این دوره لوحی است متشکل از دو حاشیه با نقش زنجیری و شمشه‌ای در میان. حاشیه بیرونی باریک‌تر با نقش جدول زنجیره موج است و حاشیه درونی ضخیم‌تر آن هم با نقش زنجیری در هم تنیده و درشت است. شمشه مرکزی هم نقشی هندسی مشابه با نقوش زنجیری در هم تنیده است. ساختار حاشیه به صورت یک مثلث بر روی طبله نیز نقش بسته است.

شبهات ساختار و نقوش زنجیری به کار رفته در حواشی و همچنین شکل شمسه وسط لوح در جلد این قرآن با قرآن‌های تولید شده در دوره غزنوی در کتابت‌خانه غزنه از رابطه انکارناپذیر سبک قرآن‌پردازی سامانی و غزنوی پرده می‌دارد. در قرآن عثمان بن حسین وراق غزنوی دقیقاً همین نقش با جزئیات و ظرافت بیشتر به کار رفته است (نک: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۸).

خاتمه

از آنجا که دانش کنونی ما از وضع کتابت و کتاب‌آرایی سده چهارم هجری در شرق ایران بسیار ناقص و اندک است، نسخه‌ای چون قرآن ۳۸۳ ق اثری درخور توجه برای ارزیابی هنرهای مربوط به کتاب به شمار می‌رود. هرچند این نسخه نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، تاریخ وقف، نام واقف و شواهد سبک‌شناسی تا حدی وضع تاریخی آن را روشن می‌کند.

کیفیت والای اجزای این نسخه از جمله خط دقیق و سبک‌دار، تذهیب پرکار و تماماً زر، و استفاده از پوست به جای کاغذ حاکی از تهیه این نسخه در یک نظام درباری منسجم است. جایگاه واقف آن، در مقام سپهسالار خراسان و حاکم نیشابور بر اهمیت این نسخه می‌افزاید.



تصویر ۱۱. نقوش روی جلد قرآن
سیمجور، با نقش متن و حاشیه
زنجیری. جلد پاره پنجم،
شماره ۵۰۱۳.

ویژگی‌های سبک خط نسخه ارتباط محکم آن را با قرآن‌های نفیس کتابت‌خانه غزنویان نشان می‌دهد. به‌ویژه آنکه می‌دانیم جد عثمان بن حسین وراق غزنوی، هنرمند و احتمالاً کلانتر کتابت‌خانه ابراهیم غزنوی، نیز زمانی در نیشابور وراقی می‌کرده و نامش در منابع آن عصر ذکر شده است. از این رو قرآن ۳۸۳ ق به منزله اثری متقدم از سبک غزنوی در قلم کوفی شرقی، اهمیتی افزون می‌یابد.

تذهیب نفیس و دقیق نسخه، به‌ویژه استفاده مفرط از زر، دقت در اجزا و جزییات نقوش از دیگر ویژگی‌های خاص این نسخه است که از جایگاه والای آفریننده آن حکایت می‌کند. گفتنی است جلد اصیل نسخه با نقش زنجیری متن و حاشیه علاوه بر اینکه اطلاعاتی از شیوه جلدسازی آن دوره به دست می‌دهد به سبب شباهت به ساختار آرایه قرآن‌های کتابت‌خانه غزنه دلیلی دیگر است بر ارتباط آفریننده این نسخه با کاتبان و هنرمندان عصر غزنویان.

کتاب‌نامه

۱. ابوعبدالله حاکم نیشابوری، (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بی‌نا.
۲. باسورث، کلیفورد ادmond، (۱۳۹۰)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
۳. بلر، شیلا، (۱۳۹۶)، خوش‌نویسی اسلامی، ترجمه ولی‌الله کاووسی، تهران: متن.
۴. خطیبی، ابوالفضل، (۱۳۹۳)، «ابوالقاسم سیمجور، علی بن ابی‌الحسن محمد بن ابراهیم»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی،
۵. دروش، فرانسوا، (۱۳۹۵)، دست‌نامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی، ترجمه سیدحسین مرعشی، تهران: سمت،
۶. صحراگرد، مهدی، (۱۳۹۹ الف)، سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی، مشهد: بنیاد بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام و تهران: متن،
۷. صحراگرد، مهدی، (۱۳۹۹ ب)، «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: بررسی صفات قلم کوفی در قرآن اصفهان»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ش ۲۸ (تابستان ۱۳۹۹)، ۱۹-۳۴.
۸. صحراگرد، مهدی، (۱۴۰۰)، «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: صفات قلم کوفی در قرآن تازه‌یاب ری»، گلستان هنر، ش ۲۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۰)، ۴۴-۵۷،
۹. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۱)، شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا پایان سده نهم هجری، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی،
۱۰. فرصت‌الدوله شیرازی، (۱۳۷۷)، آثار عجم، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر،
۱۱. فروزانی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، «سی سال سپهسالار؛ علل استمرار سی ساله قدرت سپهسالار ناصرالدوله ابوالحسن سیمجور»، تاریخ و علوم اجتماعی، ش ۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، ۱۲۵-۱۳۶،
۱۲. کریمی‌نیا، مرتضی، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی ۱۰: قرآن کوفی ۴۲۸۹ موزه ملی ایران»، آیین پژوهش، سال ۳۱، ش ۱۸۴ (مهر و آبان ۱۳۹۹): ۱۱۱-۱۷۷،



۱۳. گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۷)، راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. _____، «شاهکارهای هنری شگفت انگیزی از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت آور آن»، هنر و مردم، ش ۱۵۷ (آبان ماه)، ۴۵-۶۵.
۱۵. مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۲)، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۱۶. نیسن، فردریک (۱۳۹۳)، «جنیزه»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
17. Deroche, Francois (1992). The Abbasid Tradition: Qur'ans of the 8th to the 10th Centuries AD, first edn, London: Nour Foundation.